

مجازات اعمال

یکی از مسائلی که در بحث عدل الهی مطرح است مساله مجازات اعمال است در این بحث می‌خواهیم به انواع مجازاتها پردازیم و به تفاوت مجازاتها در دنیا و آخرت پی‌بریم.

انواع مجازات

مجازات قراردادی (تنبیه و عبرت)

این نوع از مجازات همان کیفرها و مقررات جزائی است که در جوامع بشری بوسیله قانون گذاری الهی و غیر الهی وضع گردیده است که این قوانین جزایی برای تربیت مجرمین و برای برقراری نظم در جامعه‌ها ضروری و لازم است و هیچ چیز دیگری نمی‌تواند جانشین آن شود چرا که هر اندازه تربیت، درست و نظام اجتماعی عادلانه و سالم باشد باز هم افرادی سرکش و طاغی پیدا می‌شوند که تنها راه جلوگیری از آنها همین مجازاتها و کیفرها است و اشاره و اندرزگوبی و سایر وسائل آموزشی و پرورشی نمی‌تواند همه مردم را تربیت نماید.

اما آیا اینگونه مجازات در جهان آخرت هم وجود دارد؟ در جواب باید گفت که این نوع از مجازات در جهان آخرت معقول نیست، زیرا نه آخرت جای عمل است تا عقوبت کردن انسان مانع ارتکاب کردار زشت شود و نه خداوند (العياذ بالله) حسن انتقام جویی دارد که بخواهد برای خالی نمودن عقده دل خود انتقام بگیرد.

به علاوه همه عذابها که مربوط به حقوق مردم نیست تا گفته شود عدل الهی ایجاد می‌کند که رضای دل مظلومین از راه انتقام از ظالم تحمیل شود بلکه قسمت مهمی از عذابها مربوط است به شرک، ریا، ترک عبادت خدا و امثال اینها که حق الله است نه حق الناس و در اینگونه موارد هیچ یک از دو اثر و خاصیتی که برای مجازات‌های دنیوی هست وجود ندارد.

مکافات دنیوی

نوع دیگری از مجازاتها، کیفرهایی است که رابطه علی و معلولی با جرم دارند این کیفرها را مکافات عمل یا اثر وضعی گناه می‌نامند. بسیاری از گناهان اثرات و ضی ناگواری در همین جهان برای ارتکاب کننده بوجود می‌آورد مثلاً شرابخواری علاوه بر اینکه زیانهای اجتماعی ببار می‌آورد صدمه‌هایی بر روان و جسم شرابخوار وارد می‌سازد. شرابخواری موجب اختلال اعصاب و تصلب شرائن و ناراحتیهای کبدی می‌گردد. اینها اثر ذاتی گناه است و کیفر قانونی نیست تا گفته شود که باید تناسب جرم و مجازات در آن رعایت گردد کارهایی که مربوط به مخلوق خداست، خواه نیکی و خدمت به خلق باشد یا بدی و صدمه به مردم، غالباً در همین دنیا پاداش و کیفری دارد بی‌آنکه چیزی از جزای اخروی آنها کاسته گردد.

بدی کردن با والدین ، در همین جهان کیفر دارد مخصوصا اگر آن بدی کشتن والدین باشد. حتی اگر پدر و مادر انسان فاسق و یا کافر هم باشند باز هم بدی نسبت به آنها بدون عکس العمل نمی‌ماند. البته نباید چنین بیاندیشیم که هر گاه صدمه و مصیبیتی بر یک فرد یا یک گروه وارد شد حتما مكافات اعمال آنهاست زیرا مصائب این جهان فلسفه‌های دیگری هم دارد آنچه ما معتقد هستیم این است که در این جهان فی الجمله مكافات عمل هم وجود دارد.

عذاب اخروی

مجازاتهای جهان دیگر ، رابطه تکوینی قویتری با گناهان دارند رابطه عمل و جزا در آخرت نه مانند نوع اول ، قراردادی است و نه مانند نوع دوم از نوع رابطه علی و معلولی است بلکه از آن هم یک درجه بالاتر است یعنی آنچه که در آخرت به عنوان پاداش یا کیفر به نیکوکاران و بدکاران داده می‌شود تجسم خود اعمال آنهاست. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَ وَجَدُوا مَا عَمِلُوا حاضرًا وَ لَا يَطْلِمُ رُبُّكَ أَحَدًا؛ آنچه را که انجام داده اند حاضر می‌یابند و پروردگار تو ، به احدي ستم نمی‌کند.»

(کهف _ ۴۹)

همچنین درباره خوردن مال یتیم تعبیر قرآن کریم چنین است : «إِنَّ الَّذِينَ يَالِكُونُ امْوَالَ الْيَتَامَى ظَلَمُوا إِنَّمَا يَالِكُونُ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَطُونُ سَعِيرًا؛ آنان که اموال یتیمان را به ستم می‌خورند جز این نیست که در شکم خویش آتش فرو می‌برند و بزودی در آتشی افروخته می‌افتد.» (سوره نساء _ ۱۰)

یعنی مال یتیم خوردن عیناً آتش خوردن است اما چون در این دنیا هستند نمی‌فهمند به محض اینکه حجاب بدن کنار رفت و از این جهان بیرون شدند آتش می‌گیرند و می‌سوزند.

مجازات آخرت ، تجسم یافته عمل است. نعیم و عذاب آنها همین اعمال نیک و بد است که وقتی پرده کنار رود تجسم و تمثیل پیدا می‌کند؛ تلاوت قرآن صورتی زیبا می‌شود و در کنار انسان قرار می‌گیرد. غیبت و رنجاندن مردم به صورت خورش سگان جهنم در می‌آید. به عبارتی اعمال ما یک صورت ملکی دارند که فانی و موقت است و آن همان است که در این جهان به صورت سخن یا عملی دیگر ظاهر می‌شود و در صورتی وجهه‌ای ملکوتی دارد که پس از صدور از ما هرگز فانی نمی‌شود و از لوازم جدا ناشدندی ماست.

اعمال ما از جهت ملکوتی و چهره غیبی باقی است و روزی ما به آن اعمال خواهیم رسید و آنها را با همان وجهه و چهره مشاهده خواهیم کرد. اگر زیبا و لذت بخش است نعیم ما خواهد بود و اگر زشت و کریه است آتش و جحیم ما خواهد بود. در حدیث است که زنی برای مساله‌ای به حضور رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مشرف شد وی کوتاه قد بود پس از رفتنش

عايشه کوتاه قدی وی را با دست خویش تقلید کرد؛ رسول اکرم صلی الله علیہ وآلہ وسلم به وی فرمودند : خلال کن عایشه

گفت مگر چیزی خوردم یا رسول الله؟! حضرت فرمود : خلال کن. عایشه خلال کرد و پاره گوشتی از دهانش افتاد. (بهرار

(۱۰) جلد _

در حقیقت حضرت با تصرف ملکوتی ، واقعیت ملکوتی و اخروی غیبت را در همین جهان به عایشه نشان داد. قرآن کریم

درباره غیبت می فرماید : «و لا يَغْتَبُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيْحَبُّ أَخَدُكُمْ لَحْمَ أَخِيهِ مِيتًا فَكَرْهَتُمُوهُ ؛ مُسْلِمَانَانِ از یکدیگر غیبت نکنند

آیا کسی دوست می دارد که گوشت برادر خویش را در وقتی که مرده است بخورد؟ نه ، از این کار تنفر دارید. (سوره حجرات

(۱۲) _

منابع

عدل الهی / شهید مرتضی مطهری